



* نقش و کارکرد ائمهٔ جمعه در مواجهه با آسیب‌های فرهنگی
 * نقش ائمهٔ جمعه در دفاع مقدس سوم در آیینۀ روایت‌ها -
 آرمان‌گرایی و واقع‌بینی

* نقش امام جمعه در استفاده از ظرفیت فرهنگی بقاع متبرکه
 * نمود تربیت غیرکلامی در ساختار عبادی - سیاسی نماز جمعه



بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ



*** فهرست مطالب ***

- آرمان‌گرایی و واقع‌بینی، بر پایه دیدگاه‌های امام شهید
«حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای رحمته الله علیه» [۳]
- نقش امام جمعه در استفاده از ظرفیت فرهنگی بقاع متبرکه [۱۷]
- نمود تربیت غیرکلامی در ساختار عبادی-سیاسی نماز جمعه [۳۳]
- نقش و کارکرد ائمه جمعه در مواجهه با آسیب‌های فرهنگی،
به‌ویژه پدیده بی‌حجابی، از منظر متون دینی [۴۵]
- نقش ائمه جمعه در دفاع مقدس سوم در آیین روایت‌ها [۵۷]
- معرفی کتاب «هم‌زمان حسین علیه السلام» [۷۱]
- گزارش تفصیلی از کارگاه «جریان‌شناسی اهل سنت ایران» [۷۵]
- گزارش تفصیلی نشست علمی «الزامات راهبری فرهنگی شهر در بحران؛
با بهره‌گیری از تجربه جنگ رمضان» [۸۱]
- گزارش نشست «مذاکره و آتش‌بس در گفت‌وگو با رهبری؛
از اصل حفظ نظام تا راهبرد وحدت و کنش‌گری مسئولانه» [۸۷]

*** رسم راهبری ***

فصلنامه علمی مرکز تخصصی شهدای محراب

سال دوم | شماره سوم | تابستان ۱۴۰۵

[مجوز انتشار شماره ۴۳۸/۸/۲ م از معاونت پژوهش حوزه علمیه قم]

[مجوز انتشار به شماره ۱۰۰۰۵۳ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی]

ناشر: مرکز تخصصی شهدای محراب مدیرمسئول: حمید بیگزاده جلالی سردبیر: علی حسین‌زاده
هیئت تحریریه: محسن صبوری • ابوالفضل ابوالقاسمی • علیرضا زینت‌بخش • علیرضا کریمی
ویراستار: محمدحسین احمدی طراح جلد و گرافیک: سعید صفارنژاد نشانی دفتر مجله: قم، بلوار شهید
صدوقی علیه السلام، خیابان حضرت ابوالفضل علیه السلام، پلاک ۱۰۳ تلفن: ۲۵۳۲۹۱۷۹۴۵، رایانامه: rahbari@shm.ac.ir

کتاب



امام خمینی رحمة الله علیه:

«در بین روحانیون، ائمه جمعه بیشتر از دیگران مسئول اند. امروز ارتباط ائمه جمعه با مردم، بیش از ارتباط سایر روحانیون است. ائمه جمعه باید خیلی مواظب باشند که اگر در جایی حادثه‌ای رخ داد یا مشکلی پیش آمد، با روحیه‌ای پدران و با شأن روحانیت، در جهت حل آن اقدام کنند.»

[صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۲۵۶]

امام خامنه‌ای مد ظله العالی:

«امروز چشم مردم به شماس است. امید مردم به روحانیت است و تکیه‌گاه معنوی مردم به روحانیت است. بزرگ‌ترین مظهر عمومی روحانیت در سراسر کشور، ائمه جمعه هستند. البته در حوزه‌های علمیه و مراکز علمی، استادان و بزرگان و مراجع حضور دارند؛ اما فعالیت آنان به برخی مناطق و مراکز خاص محدود است. آنچه در همه نقاط کشور عمومیت دارد، نهاد امامت جمعه است. امامت جمعه، هم نمایندگی مجموعه روحانیت را بر عهده دارد و هم نمایندگی نظام اسلامی را؛ زیرا این نظام، نظامی اسلامی است. با چنین نگرش و برداشتی، باید در این جایگاه مهم حضور یافت و متناسب با این مسئولیت، مطالب مورد نیاز مردم را انتخاب و بیان کرد.»

[بیانات رهبر شهید در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور، ۲۵/ شهریور ۱۳۷۰]



آرمان‌گرایی و واقع‌بینی، برپایهٔ دیدگاه‌های امام شهید «حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ»

عباس رضوانی نسب ✓

معاون نظارت و ارزیابی شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه



چکیده

این مقاله با رویکردی توصیفی-تحلیلی به واکاوی دو گزاره «آرمان‌گرایی» و «واقع‌بینی» در اندیشه رهبر شهید انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خامنه‌ای رحمته‌الله علیه می‌پردازد. یکی از چالش‌های بنیادین پس از انقلاب اسلامی، شیوه تعامل میان آرمان‌های بلند انقلاب و مقتضیات واقع‌گرایانه در سیاست‌گذاری‌های کلان بوده است. در این نوشتار ضمن نقد دیدگاه محافظه‌کارانه‌ای که واقع‌گرایی را در تقابل با آرمان‌خواهی می‌پندارد، بر این اصل تأکید می‌ورزد که آرمان‌گرایی درست، نه تنها مخالف واقع‌بینی نیست، بلکه مستلزم شناخت دقیق واقعیت‌ها برای یافتن مسیرهای دست‌یابی به هدف‌هاست. همچنین در این نوشتار، ضمن تبیین آرمان‌هایی چون: ایجاد تمدن اسلامی، عدالت‌خواهی، اعتماد به نفس ملی، استقلال و مبارزه با نظام شسطه، جایگاه جوانان و نخبگان به عنوان «گفتمان‌سازان» در تحقق این هدف‌ها در کانون بررسی و توجه قرار گرفته است. نیز با دسته‌بندی مانع‌های تحقق آرمان‌ها به دو بخش:

۱. درونی، مانند: بی‌حوصلگی، تنبلی و کوتاهی در شناخت محیط؛
 ۲. بیرونی، مانند: تبلیغات دشمن و تحریف حقایق، ضرورت تداوم مطالبه‌گری آرمان‌ها به عنوان سپری در برابر تخریب افکار عمومی تبیین شده است.
- در این متن جملگی گزاره‌ها بر پایه گفته‌های رهبر شهید، بدون هیچ دخل و تصرفی؛ البته با اندکی تلخیص، تقدیم شده است.

واژگان کلیدی: واقع‌بینی، آرمان‌گرایی، نظام شسطه، تمدن اسلامی، محافظه‌کاری، گفتمان‌سازی، رهبر شهید، امام خامنه‌ای.

پیشاهنگ سخن

یکی از پیچیدگی‌های فکری ما این است که در اتخاذ سیاست‌ها آیا باید فقط به آرمان‌ها اندیشید یا اینکه صرفاً به منافع ملی توجه کرد و واقع‌گرایی را در پیش گرفت؟

جامعه ما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، همواره با این چالش روبرو بوده است، به طوری که در دوره‌ای فقط به سوی هدف‌های آرمانی گام برمی‌داشته و گاهی هم فقط بُعد منافع مادی را در کانون توجه داشته است. رهبر شهید انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خامنه‌ای رحمته‌الله علیه پیوند آرمان‌گرایی با هویت ملی را در مجموعه نخبگان، یکی از راه‌های جلوگیری از فریب و اغوای دشمن بیان کردند.

امروزه؛ به‌ویژه با پرسش‌های زیادی که از سوی جوانان درباره نسبت بین آرمان‌ها و واقعیت یا آرمان‌خواهی و مصلحت‌سنجی مطرح می‌شود، لازم است این پرسش‌های کلیدی به وسیله امامان جمعه و دیگر فعالان عرصه‌های فرهنگی-اجتماعی تبیین و پاسخ داده شود. چرا که آرمان‌های انقلاب بدون نیرو و نشاط و جسارت جوانی، قابل تعقیب و قابل دسترسی نیست.

از این‌رو، ضمن تعریف آرمان‌گرایی و عرصه‌های آن (آرمان‌گرایی و مصلحت‌سنجی) نسبت آرمان‌ها با واقعیت‌ها هم مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

ناگفته نماند که نگارنده این مقاله بر پایه اندیشه‌های ناب رهبر شهید انقلاب اسلامی به این مهم پرداخته است، بدین شکل که در این متن همه مطالب بدون هیچ دخل و تصرفی-مگر با اندکی تلخیص- بر پایه گفتارهای ایشان قلمی گردیده است.

آرمان‌گرایی چیست؟

«یک عده‌ای تبلیغ می‌کنند و وانمود می‌کنند که آرمان‌خواهی

مخالف واقع‌گرایی است؛ نه آقا، آرمان‌خواهی مخالف محافظه‌کاری است، نه مخالف واقع‌گرایی. محافظه‌کاری یعنی شما تسلیم هر واقعیتی - هرچه تلخ، هرچه بد- باشید و هیچ حرکتی از خودتان نشان ندهید؛ این محافظه‌کاری است. معنای آرمان‌گرایی این است که نگاه کنید به واقعیت‌ها و آن‌ها را درست بشناسید؛ از واقعیت‌های مثبت استفاده کنید، با واقعیت‌های سلبی و منفی مقابله کنید و مبارزه کنید. این معنای آرمان‌گرایی است. چشم‌تان به آرمان‌ها باشد»^[۱]

آرمان‌های ما کدامند؟

«آرمان‌ها چه هستند؟ ... یکی مسألهٔ ایجاد جامعهٔ اسلامی و تمدن اسلامی است؛ یعنی احیای تفکر اسلام سیاسی؛ یک‌عده‌ای از قرن‌ها پیش، سعی کردند اسلام را از زندگی، از سیاست، از مدیریت جامعه - هرچه می‌توانند- دور کنند و منحصرش کنند به مسائل شخصی؛ مسائل شخصی را هم یواش‌یواش محدود کنند به مسائل قبرستان و قبر و مجلس عقد و از این حرف‌ها؛ نه، اسلام آمده است که ﴿لَا يُطَاعُ بِإِذْنِ اللَّهِ﴾^[۲] فقط هم اسلام نیست؛ همهٔ پیغمبران همین‌جورند. ادیان الهی آمده‌اند برای اینکه در جامعه پیاده بشوند، در جامعه تحقق واقعی پیدا کنند؛ این باید اتفاق بیفتد. یکی از مهم‌ترین آرمان‌ها این است. یک آرمان دیگر عبارت است از آرمان اعتماد به نفس؛ یعنی همین «ما می‌توانیم»

که در حرف‌های شماها هم بود؛ این یک آرمان است. بایستی دنبال تفکر اعتماد به نفس ملی و اعتقاد به قدرت و توانایی ملی [بود] و به عنوان یک آرمان حتماً باید تعقیب بشود. البته تعقیب آرمان‌ها یک لوازمی دارد که باید به آن لوازم عمل بشود. یکی از آرمان‌هایی که من یادداشت کرده‌ام، مبارزه با نظام سلطه و استکبار است. نظام سلطه، یعنی نظامی که بر پایهٔ رابطهٔ سلطه‌گر و سلطه‌پذیر بنا شده؛ یعنی کشورهای دنیا یا مجموعه‌های بشری دنیا، تقسیم می‌شوند به: سلطه‌گر و سلطه‌پذیر؛ آن اتفاقی که امروز در دنیا افتاده [این است]؛ یک عده‌ای سلطه‌گرند، یک عده سلطه‌پذیرند. دعوی با ایران هم سر همین است؛ این را بدانید. دعوی با جمهوری اسلامی این است که این نظام، سلطه‌گر و سلطه‌پذیر را نپذیرفته؛ سلطه‌گر که نیست، خودش را از سلطه‌پذیری هم بیرون آورده و پای این حرف ایستاده. اگر ایران موفق شد و پیشرفت پیدا کرد - پیشرفت علمی، پیشرفت صنعتی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت اجتماعی، گسترش نفوذ منطقه‌ای و جهانی - نشان داده می‌شود به ملت‌ها که می‌توان سلطه‌پذیر نبود و روی پای خود ایستاد و پیشرفت کرد. نمی‌خواهند این اتفاق بیفتد؛ همهٔ دعوایا سر این است، بقیهٔ حرف‌ها بهانه است.

از جملهٔ آرمان‌ها، عدالت‌خواهی است ... مسألهٔ عدالت‌خواهی خیلی مهم است، شُعب گوناگونی دارد، به اسم هم اکتفا نباید کرد، باید واقعاً دنبال بود. از جمله، مسألهٔ سبک زندگی اسلامی است. از جمله، آزادی‌خواهی است؛ آزادی نه به معنای غلط و منحرف‌کنندهٔ غربی که معنای آزادی این است که دختر این‌جوری زندگی کند، پسر این‌جوری زندگی کند. لعنت بر آن کسانی که برخلاف سنت‌های اسلامی و سنت ازدواج، با سنت ازدواج صریحاً مخالفت می‌کنند

۱. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۴/۴/۲۰.
۲. سورهٔ نساء، آیه ۶۴: «مگر برای اینکه به فرمان خدا، از وی اطاعت شود».

سوره نساء که: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ»^[۳] این است دیگر؛ یعنی در راه نجات کشور، نجات مستضعفان، دستور قتال [صادر شده]. حالا البته آن آیه، آیه قتال است؛ این را توجه داشته باشند آن برادرمان که این آیه، آیه قتال است، آیه جهاد نیست؛ جهاد، چیزی است؛ قتال، چیز دیگری است؛ بینشان عموم و خصوص مطلق است. بنابراین، این مبنای اسلام است، این جهت‌گیری اسلام است. باید در راه این آرمان‌ها [حرکت کرد]. این آرمان‌هایی که گفتم - یک چنین جامعه‌ای- هدف شما است»^[۴]

عرصه‌های آرمان‌گرایی

«این انقلاب توانست به ما، هم هویت بدهد، هم آرمان بدهد؛ این مهم است. ما، هم هویت پیدا کردیم ما فهمیدیم چه کسی هستیم، فهمیدیم که ما مغلوب و هضم شده در هاضمه سیاست جهانی و نظام شلوه نیستیم؛ ما هستیم، ما خودمانیم؛ هویت و آرمان؛ به ما آرمان داد، آرمان‌های فراوان»^[۵]

منظومه آرمان‌های نظام اسلامی

نیز در منظومه فکری رهبر شهید انقلاب می‌توان به چندین مصداق از آرمان‌های نظام اسلامی به مثابه نقشه راه دست یافت که برخی از آن‌ها عبارتند از:

۳. سوره نساء، آیه ۷۵: «... چرا شما در راه خدا [و در راه نجات] مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید؟ ...».
۴. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۶/۳/۱۷.
۵. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۶/۳/۱۷.

و بعضی از منشورات ما و دستگاه‌های فرهنگی ما متأسفانه این را ترویج می‌کنند؛ باید با این‌ها مقابله کرد. مسأله آزادی‌خواهی در اندیشه، در عمل فردی، در عمل سیاسی، در عمل اجتماعی و در جامعه که معنای آزادی‌خواهی در جامعه همان استقلال است.

از جمله آرمان‌ها رشد علمی است؛ از جمله آرمان‌ها کار و تلاش و پرهیز از تنبلی و نیمه‌کاره کار انجام دادن است. از جمله آرمان‌ها، ایجاد دانشگاه اسلامی است. این‌ها آرمان‌هاست.

واقعیت‌ها نباید ما را از آرمان‌ها دور کند؛ واقعیت‌ها باید مثل پلکانی ما را به آرمان‌ها نزدیک کند. اگر یک واقعیت مزاحمی هم پیدا شد، با آن مقابله کنیم، معارضه کنیم، از سر راه برداریم؛ آرمان‌خواهی یعنی این. البته نقطه مقابلش ... محافظه‌کاری است؛ یعنی با واقعیت‌ها بسازیم، بدش را هم قبول کنیم، خویش را هم قبول کنیم، به عنوان اینکه «چه کار می‌شود کرد، چاره‌ای نداریم»، بگذرانیم که خُب، بدیهی است که سرنوشت یک چنین ملتی به کجا خواهد رسید»^[۱].

«آرمان‌گرایی عین عقلانیت است؛ زیرا اگر ملتی بدون آرمان شود، همانند وضعیت امروز جوامع غربی از درون تهی و پوچ خواهد شد»^[۲].

«آرمان‌گرایی را فراموش نکنید؛ آرمان‌گرایی را فراموش نکنید؛ آرمان‌ها چیست؟ رسیدن به جامعه عادل، جامعه آزاد، جامعه پیشرفته، جامعه مؤمن، جامعه متعبد، جامعه مرقه، جامعه متحد، جامعه قوی و مستحکم، جامعه مستقل؛ این‌ها آرمان است. ارزش دارد که انسان جانفش را در راه این آرمان‌ها، برای خاطر خدا [بدهد]؛ برای همین آیه شریفه

۱. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۶/۴/۱۰.
۲. بیانات در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۹۵/۶/۲۸.

و جلو می‌رویم. در همهٔ زمینه‌ها همین‌جور است، دانشجو می‌تواند مؤثر باشد. کسی از عزیزان از قول مرحوم شهید بهشتی، نقل کردند که ایشان فرمودند که «دانشجو مؤذن جامعه است؛ وقتی که خواب بماند، مردم هم خواب می‌مانند»؛ خب، تعبیر خوبی است؛ شما می‌توانید بیدار کننده باشید، می‌توانید گفتمان‌ساز باشید، به‌هیچ‌وجه تصوّر نکنید که این کارهای دانشجویی شما، کارهای بی‌اثری است».^[۸]

۱. معنویت و اخلاق؛^[۱]
۲. جامعهٔ عادلانه، پیشرفته و معنوی؛^[۲]
۳. احیای تفکر اسلام سیاسی؛^[۳]
۴. اعتماد به نفس؛^[۴]
۵. مبارزه با نظام شلطه و استکبار؛^[۵]
۶. عدالت‌خواهی، سبک زندگی اسلامی، آزادی‌خواهی و استقلال؛^[۶]
۷. رشد علمی.^[۷]

اثربخشی آرمان‌گرایی

«ممکن است کسی بگوید ما این آرمان‌ها را چه‌جوری دنبال بکنیم؟ ما که در کشور اثری نداریم؛ یک عده مدیرانی هستند، دارند کار خودشان را می‌کنند، ما هم اینجا شعار می‌دهیم، حرف می‌زنیم. این اشتباه در فهم مسئله است؛ هرگز این‌جوری نیست. دانشجو تصمیم‌ساز است؛ دانشجو گفتمان‌ساز است. شما وقتی که یک آرمانی را دنبال می‌کنید، می‌گویید، تکرار می‌کنید و به جدّ پای آن می‌ایستید، این یک گفتمان در جامعه ایجاد می‌کند، این موجب تصمیم‌سازی می‌شود؛ زید تصمیم‌گیر در فلان مرکز تصمیم‌گیری مدیریت کشوری، وقتی که یک چیزی به‌عنوان یک گفتمان درآمد، مجبور می‌شود دنبال بکند. یک نمونهٔ زنده‌اش همین گفتمان نهضت نرم‌افزاری و احیای حرکت علمی است که مطرح شد، تکرار شد، خوشبختانه استقبال شد و به‌عنوان یک گفتمان درآمد؛ حرکت جامعه براساس آن به‌وجود آمد؛ ده پانزده سال است که ما از لحاظ علمی داریم همین‌طور حرکت می‌کنیم

آرمان‌گرایی و واقعیت

«شما وقتی آرمان‌گرا هستید و می‌خواهید به سمت این آرمان حرکت بکنید، باید توجه داشته باشید که این‌جوری نیست که انسان با معجزه خودش را به آرمان بتواند برساند؛ نه، مشکلاتی وجود دارد، موانعی وجود دارد؛ لایه‌های این موانع باید راه را پیدا کرد؛ واقع‌بین یعنی این.

شما حالا خب حرف‌های خیلی خوبی زدید، موانع را مرتّب شمردید؛ آیا لایه‌های این موانع راهی وجود دارد برای اینکه شما پیش بروید یا نه؟ بگردید آن راه را پیدا کنید. من عرض بکنم قطعاً و یقیناً راه وجود دارد؛ بگردید آن راه را پیدا کنید. واقع‌بینی یعنی این. خب البته همهٔ این‌ها بحث‌های اندیشه‌ورزانه - یعنی به قول فرنگی‌مآب‌ها: بحث‌های تئوریک - نیاز دارد. این‌هایی که عرض می‌کنم کارهایی است که باید کار اندیشه‌ورز درباره‌اش کرد».^[۹]

۱. بیانات در دیدار افشار مختلف مردم، ۱۳۷۷/۷/۲۹.
۲. بیانات در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۲/۵/۶.
۳. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۴/۴/۲۰.
۴. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۴/۴/۲۰.
۵. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۴/۴/۲۰.
۶. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۴/۴/۲۰.
۷. بیانات در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۱/۵/۱۶.

۸. بیانات در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۹۵/۶/۲۸.
۹. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۶/۳/۱۷.

واقعیت‌ها در خدمت و معطوف به آرمان‌ها

«بسیاری از آرمان‌های جامعه ما و مطالبه آن‌ها جزو واقعیت‌های جامعه است. مردم مایلند عزت ملی داشته باشند، مردم مایلند زندگی ایمان‌مدار و دین‌مدار داشته باشند، مردم مایلند در امور اداره کشور و مدیریت کشور سهیم باشند - یعنی مردم‌سالاری- مردم مایلند پیشرفت داشته باشند، استقلال سیاسی و اقتصادی داشته باشند؛ این‌ها خواسته‌های عمومی مردم است. این خواسته‌ها، واقعیت‌های جامعه است؛ این واقعیت‌ها دقیقاً در جهت آرمان‌خواهی است؛ این‌ها که مسائل تحلیلی و ذهنی نیست، این‌ها که موهومات نیست، این‌ها واقعیت‌هایی است که در جامعه وجود دارد. يك جامعه زنده و مؤمن دنبال این چیزهاست؛ می‌خواهد عزت ملی داشته باشد، می‌خواهد استقلال داشته باشد، می‌خواهد آبروی بین‌المللی داشته باشد؛ این‌ها خواسته‌هایی است که مردم دارند؛ این‌ها در جهت آرمان‌هاست؛ و این خواستن، جزو واقعیت‌های قطعی جامعه است. بنابراین واقعیت می‌تواند در خدمت و معطوف به آرمان‌ها باشد ... ذکر آرمان‌ها بدون توجه به واقعیت‌ها و بدون ملاحظه سازوکارهای معقول و منطقی رسیدن به آرمان‌ها، خیال‌پردازی است؛ آرمان‌ها در حد شعار باقی خواهد ماند؛ لیکن وقتی که مسئولان کشور آرمان‌ها را به صورت منطقی و متین دنبال کردند، مردم همراهی کردند، اینجا آنجایی است که واقعیت‌های جامعه با آرمان‌ها هماهنگ می‌شود»^[۱]

۱. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۵/۳.

آرمان‌گرایی و مصلحت‌سنجی

«آرمان‌گرایی به‌هیچ‌وجه به معنای در همه زمینه‌ها پرخاشگری کردن، برخی از واقعیت‌ها لازم و مصلحت‌های لازم را ندیده‌گرفتن، نیست. مصلحت هم شده یک اسم منفور؛ آقا مصلحت‌گرایی می‌کنند! خُب، اصلاً باید ملاحظه مصلحت بشود. هیچ وقت نباید گفت که آقا! حقیقت با مصلحت همیشه منافات دارد؛ نه، خود حقیقت یکی از مصلحت‌هاست، خود مصلحت هم یکی از حقایق است. اگر مصلحت‌اندیشی درست باشد، باید رعایت مصلحت را کرد؛ چرا نباید رعایت مصلحت را کرد؟ باید مصالح را دید. فرض بفرمایید از لحاظ موضع نظام، نسبت به فلان حرکت سیاسی بلوک مثلاً طاغوت و مجموعه‌های استبدادی دیکتاتوری، معلوم است که ما مخالفیم، همراهی هم نمی‌کنیم، کمک هم نمی‌کنیم، ﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحْدَهُ﴾^[۲] ... بنابراین باید به معنا و عمق آرمان‌گرایی توجه شود ... آرمان‌گرایی یعنی پایبندی به ارزش‌ها و اصول و آرمان‌ها و تأثیرگذاری و تأثیرناپذیری از جهت مخالف و جبهه مخالف»^[۳].

۲. سوره متحنه، آیه ۴: «برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند وجود داشت، در آن هنگامی که به قوم [مشرك] خود گفتند: ما از شما و آنچه غیر از خدا می‌پرستید بیزاریم، ما نسبت به شما کافریم و میان ما و شما عداوت و دشمنی همیشگی آشکار شده است تا آن زمان که به خدای یگانه ایمان بیاورید».

۳. بیانات در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۱/۵/۱۴.

واقع‌بینی

«واقعیت‌ها را... باید دید؛ که من حضور مسئولان نظام و کارگزاران نظام... عرض کردم که آنچه ما لازم داریم، آرمان‌گرایی با نگاه به واقعیت‌هاست. واقعیت‌ها را هم باید درست فهمید، آنچه که از واقعیت‌ها موجب اقتدار است، آن‌ها را باید شناخت؛ آنچه از واقعیت‌ها که کمبود و نقص است، آن‌ها را هم باید شناخت؛ آنچه که مانع حرکت است، این‌ها را باید شناخت؛ واقعیت‌ها را باید درست فهمید.»

من تعدادی از واقعیت‌ها را اسم بردم در آنجا که این‌ها واقعیت‌های شیرین موجود ما است، همه‌اش نباید نقص‌ها را دید یا ضعف‌ها را دید. وجود فکرهای برجسته، وجود عناصر فعال و مبتکر، رواج معرفت دینی و معنویت در بین بخش وسیعی از نسل جوان، بقاء شعارهای دینی و اسلامی، نفوذ روزافزون نظام جمهوری اسلامی در منطقه و در عالم؛ این‌ها واقعیت‌هایی است که وجود دارد؛ این واقعیت‌ها را هم باید دید. البته واقعیت‌های تلخی هم در کنار این، مثل همه زندگی انسان که مخلوطی از شیرینی و تلخی است، وجود دارد؛ با تکیه به آن واقعیت‌های شیرین و تقویت آن‌ها، بایستی کوشش کرد برای اینکه واقعیت‌های تلخ و نامطلوب زدوده بشوند یا کم بشوند»^[۱]

نسبت آرمان‌ها و واقعیت‌ها

«نسبت آرمان‌ها با واقعیت‌هایی که وجود دارد، چیست؟ مثلاً فرض بفرمایید

۱. بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۶/۱۴.

تحریم. تحریم یک واقعیتی است. خوب، یکی از آرمان‌های ما پیشرفت اقتصادی کشور است، از آن طرف هم واقعیتی وجود دارد به نام تحریم. یا در مسائل گوناگون سیاسی؛ در انتخابات، در غیره و غیره. آنچه که من می‌توانم عرض کنم، این است که ما آرمان‌گرایی را صددرصد تأیید می‌کنیم، دیدن واقعیت‌ها را هم صددرصد تأیید می‌کنیم. آرمان‌گرایی بدون ملاحظه واقعیت‌ها، به خیال‌پردازی و توهم خواهد انجامید. وقتی شما دنبال یک مقصودی، یک آرمانی حرکت می‌کنید، واقعیت‌های اطراف خودتان را باید بسنجید و بر طبق آن واقعیت‌ها برنامه‌ریزی کنید. بدون دیدن واقعیت‌های جامعه، تصور آرمان‌ها خیلی تصور درست و صحیحی نخواهد بود، چه برسد به دستیابی به آرمان‌ها. اگر بخواهیم مثال بزنیم، باید بگوییم آرمان‌ها مثل قلّه‌اند. کسانی که اهل گردش در کوهستان و رفتن به سمت قلّه‌ها هستند، قلّه را درست تصور می‌کنند. رسیدن به قلّه، یک آرمان است؛ آرمان‌ها را به این تشبیه کنید. انسان دوست می‌دارد به آن قلّه برسد. وقتی شما این پایین هستید، دوست می‌دارید بروید و برسید به آن نقطه اوج و ستیغ این بلندی و ارتفاع؛ منتها واقعیتی وجود دارد؛ اگر بی‌توجه به این واقعیت بخواهید این کار را بکنید، نیروی خودتان را هدر می‌دهید؛ آن واقعیت این است که راه رسیدن به این قلّه، این نیست که شما جلوی چشم‌متشاهده می‌کنی که حالا اینجا قلّه است، این هم دامنه است، بگیر و برو بالا؛ این جور نیست، راه دارد. اگر چنانچه شما بی‌احتیاطی کردید، همینی که جلوی چشم شما است، دامنه را گرفتید رفتید بالا، قطعاً به نقاطی خواهید رسید که نه راه پیش‌رفتن دارید، نه راه عقب‌آمدن. این‌هایی که اهل رفتن به کوه و گردش در کوهستان هستند،

اما تعداد خیلی معدودی بود؛ حدودش یادم هست- امروز بیش از ده برابر، این تعداد بالا رفته؛ خب، اینها همه نخبگانند. حالا گیرم از این مجموعه عظیم نخبه‌ای که در دانشگاه‌های کشور پروریده شده‌اند -اعم از دانشجو و استاد و نخبه‌های علمی و این‌ها- یک تعدادی هم رفتند خارج. اگر انسان آن واقعیت را می‌بیند، این واقعیت را هم ببیند. کسانی که علیه نظام جمهوری اسلامی تبلیغات می‌کنند، آن یکی را بزرگ می‌کنند، این یکی را ندیده می‌گیرند؛ اصلاً اسمی از آن نمی‌آورند. بنابراین واقعیت را باید دید. آرمان‌ها با نگاه به واقعیت‌ها است که قابل تحقق خواهند بود؛ اما واقعیت را ببینیم، نه آنچه که با شگردهای دشمنانه، به‌عنوان واقعیت به ما القاء می‌شود».^۱

موانع آرمان‌گرایی

«نظام جمهوری اسلامی، راه نویی را در دنیا به روی بشریت باز کرد؛ راه نوي طلب آرمان‌هایی که همیشه بشر مشتاق و تشنه آن‌ها بوده است و همیشه قدرتمندان مانع شده‌اند که دست بشر به آن‌ها برسد. از دیرباز تا امروز، بشریت آرمان عدالت، انصاف و برابری بین انسان‌ها و برچیده‌شدن بساط زورگویی از سطوح مختلف زندگی مردم را در دل پرورانده است؛ اما این آرمان در کمتر بُرهه‌ای از زمان محقق شده است. انسان‌ها همیشه تشنه آرمان‌های انسانی‌اند و آرمان‌ها در طول زمان یکسان است. دانش پیشرفت می‌کند و وضعیت زندگی و روابط اجتماعی دچار دگرگونی و تحول می‌شود؛ اما آرزوهای بزرگ بشر در طول زمان و اوضاع و احوال گوناگون، یکی است. بشر همیشه تشنه

چنین چیزی برایشان پیش می‌آید؛ برای بنده هم پیش آمده. وقتی انسان بدون آشنایی با راه حرکت می‌کند به نقطه‌هایی می‌رسد که راه جلو رفتن و عقب‌ماندن ندارد؛ با زحمت زیاد انسان باید خودش را از مشکل خلاص کند. واقعیت عبارت است از همین راه؛ راه را باید پیدا کرد؛ البته باید واقعیت‌ها را به معنای واقعی کلمه دید، نه آنچه که به عنوان واقعیت القاء می‌شود. شما جوان‌ها خیلی خوب می‌دانید؛ در جنگ‌های روانی که امروز در دنیا معمول است، یکی از کارها القای واقعیت‌های غیرواقعی است؛ چیزهایی را به عنوان واقعیت القاء می‌کنند که واقعیت ندارد؛ شایعه درست می‌کنند، حرف می‌زنند، که واقعیت نیست؛ اگر چنانچه کسی چشم باز و بینا نداشته باشد، دچار اشتباه می‌شود. اینکه ما می‌گوییم: بصیرت! به خاطر این است. یکی از کارکردهای بصیرت همین است که انسان واقعیت‌ها را آنچنان که هست، ببیند. در تبلیغات گاهی یک واقعیتی را از آنچه که هست، چندین برابر بزرگتر نشان می‌دهند؛ در حالی که بعضی از واقعیت‌های دیگر را اصلاً نشان نمی‌دهند. مثلاً فرض بفرمایید یکی از واقعیت‌ها این است که بخشی از نخبگان کشور از کشور خارج می‌شوند؛ بله، این یک واقعیتی است؛ اما در قبال این، یک واقعیت دیگری هم وجود دارد و آن عبارت است از افزایش نخبه، افزایش دانشجویان نخبه. ما کی این همه دانشجوی نخبه داشتیم؟ به تاریخ دانشگاه کشور نگاه کنید؛ در این ده بیست سال اخیر، فراوانی دانشجویان نخبه ما در بخش‌های مختلف کاملاً چشمگیر است. چقدر ما استاد نخبه داریم. جمهوری اسلامی وقتی که پیروز شد، تعداد اساتید دانشگاه‌های کشور، یک تعداد معدودی بود -که البته چون دقیقش یادم نیست، نمی‌خواهم بگویم؛

۱. بیانات در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۲/۵/۶.

هم نمی‌داشت؛ این قدرت علمی، نظامی و پیشرفت صنعتی را هم نمی‌داشت؛ این عزّتی را هم که در مقابل چشم جهانیان به دست آورده است، نمی‌داشت؛ این حالت یأس و ناامیدی از تسلّط بر این ملت هم در دل دشمنان بزرگ او - البته عقلایشان؛ چون بی‌عقل‌هایشان خیال می‌کنند که می‌شود تسلّط پیدا کرد! - به وجود نمی‌آمد. بنابراین، مشکلات همیشه این‌طور است و هر ملت و هر مجموعه‌ای اگر بخواهد راه صلاح و نجات و راه رسیدن به آرمان‌ها را طی کند، باید با این موانع دست و پنجه نرم کند؛ البته هر مجموعه‌ای، هر کشوری و هر جامعه‌ای، در هر زمانی موانع مخصوص به خود را دارد. میان هدف‌های هر ملت، با موانعی که در سر راه او قرار می‌گیرد و مشکلاتی که او مجبور است با آن‌ها دست و پنجه نرم کند، ارتباط وجود دارد. هرچه هدف‌ها والاتر باشد، مشکلات هم به همان نسبت وسیع‌تر خواهد بود. هرچه آرمان‌گرایی وجود داشته باشد، به طور طبیعی چیزهایی در مقابل آن آرمان‌ها صف‌آرایی خواهد کرد. لذا ارتباط مستقیمی وجود دارد»^[۱].

«بعضی به ظواهر دنیا که نگاه می‌کنند، نسبت به آرمان‌های الهی دچار تردید می‌شوند. این از کوتاه‌بینی است؛ از سطحی‌نگری است. درست است که ظواهر مادی، با شتاب دیوانه‌واری به سمت غرق‌شدن هرچه بیشتر در مادیات حرکت می‌کند. در این شکی نیست؛ اما معنویات، مانند شکوفه‌هایی بر روی بدنهٔ این درخت پیر، خودش را می‌نمایاند. شیرین‌ترین حقایق در این مورد، پیدایش و تداوم جمهوری اسلامی و استحکام پایه‌های آن، و بالاتر از این‌ها،

صفا و یکرنگی و عدل و انصاف و معنویت و حقیقت و برادری است و از تزویر و دروغ و زورگویی و حق‌پوشی و ظلم و بی‌عدالتی بیزار است. این آرمان‌ها هرگاه در بخشی از عالم منادیانی پیدا کرد، زورگویی پیدا شدند که یا آن‌ها را سرکوب و یا موانعی در راهشان ایجاد کردند. البته این آرمان‌ها چون فطری انسان است، از بین رفتنی نیست و تا امروز از بین نرفته و نخواهد رفت؛ بلکه روزبه‌روز آگاهی و ظرفیت بشر برای پذیرش و عمل به آن‌ها بیشتر شده است. اسلام پرچمی را برافراشت که تمام آرمان‌های انسانی در پای این پرچم، قابل برآورده شدن است. این پرچم امروز در نظام جمهوری اسلامی برافراشته شده است. کسانی با این نظام مخالفت می‌کنند که در طول تاریخ با دعوت پیامبران مخالفت می‌کردند و با سخن مُصلحان، شیوهٔ کج‌تابی و کج‌اندیشی پیش می‌گرفتند. همهٔ ارکان این نظام متوجه همان آرمان‌هاست»^[۲].

«موانع و مشکلات و کمین‌ها در راه هر جامعه‌ای و هر نظامی و هر مجموعه‌ای از انسان‌ها، اگرچه برای آن‌ها دردسرو مشکل درست می‌کند؛ اما بن‌بست درست نمی‌کند. در واقع با یک نگاه می‌شود گفت که مشکلات مایهٔ رشد است؛ نعمت است.

هیچ ملّتی نمی‌تواند بدون دست‌وپنجه نرم‌کردن با موانع و مشکلاتی که با آن مواجه است، به جایی برسد. اگر ملت ایران هشت‌سال جنگ تحمیلی را نمی‌داشت، البته خیلی از ویرانی‌ها را، خیلی از فقدان‌ها را، خیلی از خسارت‌ها را نمی‌داشت؛ اما این اعتماد به نفس را

۲. بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزهٔ علمیهٔ قم در مدرسهٔ فیضیه، ۱۳۷۹/۷/۱۴.

۱. بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه افسری امام علی ؟، ۱۳۸۰/۹/۳.

استقامت جمهوری اسلامی بر روی همان خط صحیحی است که از اول آن را انتخاب کرده است؛ آگاهانه و هشیارانه و بدون متمایل شدن به این طرف و آن طرف. این باید حفظ شود و حفظ خواهد شد»^[۱]

موانع تحقق آرمان‌ها

«یک موانعی ... وجود دارد که باید به آن موانع توجه داشت. ... موانعی ... وجود دارد؛ یک عده از این موانع، موانع درونی خود ما است؛ حالا می‌گویند که فلانی همه اشکالات را می‌اندازد گردن آمریکا و غیره؛ البته خدا لعنت کند آمریکا و انگلیس خبیث را، خیلی از مشکلات ما ناشی از آن‌ها است؛ اما نه، من بیشترین اشکالات را به خودمان می‌کنم؛ موانع ما، عمدتاً موانع درونی است؛ آن‌ها هم دارند از این موانع درونی سوءاستفاده می‌کنند؛ موانع درونی وجود دارد. یکی درست‌نفهمیدن مسأله است؛ عدم فهم درست مسائل کشور و مسأله کشور، مسأله انقلاب؛ این، شما دانشجویان را و عناصر فکری را موظف می‌کند که روی این مسأله کار کنید ... بنابراین درست‌نفهمیدن مسأله یکی [از موانع است]. درست‌نشناختن محیط؛ این هم یکی از موانع کار است. بعضی‌ها هستند محیط را درست نمی‌شناسند؛ وقتی ما محیط را نشناختیم، احتمال خطا و اشتباه برایمان زیاد است؛ وقتی که جنگاور و رزم‌آور ندانست کجا قرار دارد، دشمن کجا است، دوست کجا است، ممکن است سر اسلحه‌اش را به طرف دوست بگیرد، به خیال اینکه دارد به دشمن شلیک می‌کند؛ محیط را باید شناخت، جبهه‌بندی‌ها را باید دید، باید شناخت.

۱. بیانات در مراسم صبحگاه مشترک یگان‌های زمینی، هوایی و دریایی سپاه، ۱۳۷۲/۷/۷.

یکی از موانع، بی‌ارادگی است؛ یکی از موانع، تنبلی است؛ یکی از موانع، بی‌صبری است. بی‌صبری؛ باباجان! این غذا را وقتی شما سر بار گذاشتید، نمی‌شود که به مجرد اینکه آتش زیر غذا را روشن کردید، بنا کنید پابه‌هم‌کوفتن که من غذا می‌خواهم! خوب باید صبر کنید تا بپزد. ... صبر هم یکی از خصلت‌های انقلابی است. بله، خشم انقلابی داریم؛ اما صبر انقلابی هم داریم. مظهر اتم و اکمل عدالت، امیرالمؤمنین است دیگر، از او عادل‌تر که نداریم، اما امیرالمؤمنین هم یک جاهایی صبر کرد؛ تاریخ زندگی امیرالمؤمنین را می‌بینید دیگر. ... یک جاهایی صبر ضروری است، لازم است؛ یک جاهایی صبر، [از روی] ناچاری است، یک جاهایی هم نه، ناچاری نیست اما لازم است که انسان این صبر را انجام بدهد.

یکی از موانع، سرگرمی به چیزهای خراب‌کننده و ویران‌کننده و گمراه‌کننده است؛ مثل اختلافات سر چیزهای بی‌خودی. اختلافات کوچک و بهانه‌های کوچک، گاهی مایه اختلافات بزرگ می‌شود، مثل حواشی‌ای که وجود دارد ... بنابراین این‌ها موانع درونی است. موانع بیرونی هم داریم؛ عمده موانع بیرونی، تزریق نومیدی، القای ناتوانی و مانند این‌ها است. اینکه، نمی‌شود، فایده ندارد، نمی‌توانید، الان مرتباً دارد - به قول شماها - من نمی‌خواهم تعبیرات فرنگی به کار ببرم، اما اینجا ناچارم - پمپا می‌شود، به‌طور دائم دارد تزریق می‌شود؛ هم احساس ناامیدی، هم احساس ناتوانی.

تبیین‌های دروغ؛ مسائلی را تبیین می‌کنند، تبیین‌های خلاف واقع. تحریف حقایق تاریخی؛ البته این مال حالا نیست، چند سال است یک حرکت مودیان‌ای شروع شده در تطهیر رژیم طاغوت، رژیم پهلوی. ... ایجاد موانع عملی برای حرکت به‌سمت آرمان‌ها؛ مثل تحریم - هم تحریم

... آنچه من بر آن تأکید می‌کنم، این است که ما امروز در جامعه‌مان نیاز مبرم داریم به اینکه آرمان‌ها را مدام تکرار کنیم، مدام بگوییم، مدام روی آن کار کنیم، مدام مطالبه کنیم. این مطالبه‌گری خیلی چیز خوبی است. مطالبه‌گری آرمان‌ها از آن چیزهایی است که از آن نباید دست برداشت.

اگر چنانچه این حجم عظیم و وسیع تهاجم به افکار عمومی از سوی ضد انقلاب با این مطالبه‌گری‌ها مواجه نشود، قطعاً ویرانگری خواهد کرد. یادآوری آرمان‌ها، مطرح کردن آرمان‌ها، خواستن آرمان‌ها، طلبکاری نسبت به تحقق این آرمان‌ها یک سدی است در مقابل تخریب افکار عمومی و فضاهای نخبگانی - که متأسفانه روی فضاهای نخبگانی هم دارند کار می‌کنند- و فضاهای مدیریتی که در مواردی هم متأسفانه بی‌تأثیر نبوده. اینجا یک لشکری از جوان‌های مؤمن و انقلابی لازم است که وارد میدان بشوند، مطالبه کنند آرمان‌ها را و خودشان کمک کنند به تحقق این آرمان‌ها.^[۱] و^[۲]

«ساده‌انگاری است اگر امید و طمع دشمن بر رجعت دانشگاه به آن گذشته آفت‌زا نادیده گرفته شود. امروز آماج بسیاری از تبلیغات خصمانه دشمنان، در درجه اول، دانشجویان و دانشگاہیانند. امروز در حالی که نسل جوان روشنفکر در بسیاری از کشورهای اسلامی، مجذوب امام و انقلاب و اسلام ناب

مواد، هم تحریم فتاوری- کارشکنی‌های گوناگون، پیروزی‌ها را شکست معرفی کردن، ضعف‌های کوچک را بزرگ جلوه دادن، ضعف‌های مدیریتی را منتسب به نظام کردن. فلان مدیر فلان تشکیلات یک ضعفی نشان می‌دهد، یک کار غلطی را فرضاً انجام می‌دهد، این را علم می‌کنند برای اینکه نظام جمهوری اسلامی را، نظام انقلابی را زیر سؤال ببرند! این کاری است که دشمن دارد می‌کند؛ باید به شدت به آن توجه داشته باشید.

... مردم‌سالاری جامع را دیکتاتوری [می‌گویند؛] یعنی واقعاً الآن به نظر من -یعنی با آشنایی‌ای که حالا من دارم- در دنیای امروز هیچ مردم‌سالاری‌ای مثل مردم‌سالاری ما واقعی نیست. ارتباط مسئولان کشور با مردم، انسشان با مردم، انتخابشان به وسیله مردم از همه‌جای دنیا واقعی‌تر است؛ تا آن حدی که من اطلاع دارم. این را الآن در کارهای تبلیغی مسلمانی دائمی دشمن به‌صورت یک دیکتاتوری جلوه می‌دهند که این خب کار آن‌ها است؛ این جور وانمود می‌کنند. بنابراین این‌ها کارهایی است که موانع بیرونی است که دشمنان ما ممکن است انجام بدهند. بنابراین این را شما توجه داشته باشید

که نظام در یک کارزار عظیمی قرار دارد. اینکه گفتم جای خودمان را بدانیم، مسأله را بشناسیم، اصل مسأله این است: شما در وسط میدان کارزارید، یک کارزار همه‌جانبه عظیم؛ این کارزار را باید احساس کنید، طرف مقابل را باید بشناسید و این جور، تکلیف همه ما معین می‌شود. نظام، بدون مشی انقلابی ارزشی ندارد؛ واقعاً ارزشی ندارد. نظام، اگر چنانچه مشی انقلابی نداشته باشد، به آن آرمان‌ها نخواهد رسید، به دنبال آن آرمان‌ها نخواهد بود و با آن رژیم‌های گذشته کشور هم هیچ تفاوتی نخواهد داشت و ارزشی ندارد.

۱. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۷/۳/۷.
۲. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: آرمان‌گرایی و بسیج (ره‌نامه ۲۳).

مقاله حاضر نشان می‌دهد که تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی، از جمله عدالت‌خواهی، استقلال، پیشرفت علمی و تمدن‌سازی، نیازمند یک کارزار همه‌جانبه و مستمر است. دشمنان این نظام با ابزارهای تبلیغاتی همچون: تحریف حقیقت‌ها و تزریق نومی‌دی در میان مردمان، در پی تهی‌سازی افکار عمومی و انحراف نخبگان از این هدف‌ها هستند. در برابر این تهاجم همه‌جانبه، جوانان مؤمن و انقلابی به عنوان «مؤذنان جامعه» وظیفه‌ای سترگ بر عهده دارند. مطالبه‌گری هوشمندانه، گفت‌وگو سازی و پافشاری بر ارزش‌ها، نه تنها سدی در برابر تخریب فکری است، بلکه بستر را برای مدیریت واقع‌بینانه کشور و تبدیل ظرفیت‌های بالقوه به واقعیت‌های عینی فراهم می‌سازد.

بنابراین، نظام جمهوری اسلامی بدون مشی انقلابی و آرمان‌گرایی مستمر، هویت و قدرت پیش‌برندگی خود را از دست خواهد داد. راه رسیدن به تمدن اسلامی از راه شناخت دقیق واقعیت‌ها و در عین حال، پاسداشت نگاه استوار به قله‌های آرمانی می‌گذرد؛ راهی که در آن، هر مانع و مشکلی، نه یک بن‌بست، بلکه پله‌ای برای رشد، افزایش اعتماد به نفس ملی و تقویت اراده جمعی برای پیروزی در این کارزار تاریخی است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آرمان‌گرایی و بسیج (ره‌نامه ۲۳): معاونت پژوهش و آموزش موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، انتشارات انقلاب اسلامی - تهران، چاپ دوم، ۱۴۰۲.
۳. بیانات در مراسم صبحگاه مشترک یگان‌های زمینی، هوایی و دریایی سپاه، ۱۳۷۲/۷/۷.

محمّدی رحمته‌الله‌علیه است، طراحان تبلیغاتی نظام سلطه جهانی، در صدد آنند که نسل جوان و نخواستۀ کشور انقلاب را با آرمان‌های انقلاب، بیگانه و از ریشه خود جدا کنند. دست‌های ظرار و مغزهای مگار و دلا‌رهای بی‌شمار در تلاشی بیهوده، نسل جوان انقلاب را هدف گرفته‌اند. آنان از بیداری جوانان و قدرت تحلیلی که در پرتو انقلاب به آنان داده شده، غافل‌اند. با این حال جوانان دانشور، طلبه و دانشجو، و اساتید متعهد، دانشگاهی و روحانی، باید مسؤولیت سنگین روشننگری و جهاد فکری و علمی را بیش از پیش بر دوش خود احساس کنند و در میدان علم و دین و آرمان‌گرایی به مسابقه‌ای الهی که پاداش آن بهشت دنیوی و آخروی است، بپردازند.^[۱]

نتیجه‌گیری

در پایان این کمینه‌گفتار، می‌توان چنین استنباط کرد که در اندیشه رهبر شهید انقلاب اسلامی، آرمان‌گرایی نه یک امر انتزاعی و دور از واقعیت، بلکه عین عقلانیت و موتور محرک پیشرفت یک جامعه پویا شمرده می‌شود. پیوند وثیق میان «آرمان‌گرایی» و «واقع‌بینی»، راهبرد اصلی برای جلوگیری از افتادن در دام «محافظه‌کاری» از یک سو و «خیال‌پردازی» از سوی دیگر است. از این نظرگاه، واقع‌بینی به معنای شناخت ژرف ویژگی‌های میدان نبرد، شناسایی مانع‌ها و استفاده از فرصت‌ها برای هموارکردن راه تحقق آرمان‌هاست؛ نه به معنای پذیرش منفعلانه شرایط و عقب‌نشینی در برابر مشکلات.

۱. پیام به گردهمایی ویژه دانشجویان و دانشجویان در تجلیل از حضرت امام خمینی ۱۳۷۸/۳/۱۲.

۴. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۷/۷/۲۹.
۵. پیام به گردهمایی ویژه دانشگاهیان و دانشجویان در تجلیل از حضرت امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۷۸/۳/۱۲.
۶. بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه، ۱۳۷۹/۷/۱۴.
۷. بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه افسری امام علی علیه السلام، ۱۳۸۰/۹/۳.
۸. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۵/۳.
۹. بیانات در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۱/۵/۱۶.
۱۰. بیانات در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۲/۵/۶.
۱۱. بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۶/۱۴.
۱۲. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۴/۴/۲۰.
۱۳. بیانات در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۹۵/۶/۲۸.
۱۴. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۶/۳/۱۷.
۱۵. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۷/۳/۷.

